



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# سپان جا ویدان

سپان جا ویدان

نویسنده :

سید محمد رضا تجویدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بیان جاویدان

نویسنده:

محمد رضا تجویدی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... بیان جاویدان
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... شمه ای کوتاه از زندگانی امام رضا (ع)
۶	..... خلفای معاصر حضرت
۷	..... انگیزه اصلی مأمون برای تشکیل جلسات مناظره
۹	..... احتجاج امام رضا با زنادقه و اهل ادیان
۱۰	..... سخن پیرامون کتاب انجیل - گفتگو و احتجاج با جاثلیق
۱۱	..... احتجاج حضرت با مامون
۱۲	..... گلچینی از معارف رضوی (ع)
۱۴	..... احتجاج امام رضا با زنادقه و اهل ادیان
۱۶	..... سخن پیرامون کتاب انجیل - گفتگو و احتجاج با جاثلیق
۱۷	..... درباره مرکز

## بیان جاویدان

### مشخصات کتاب

نویسنده: سید محمد رضا تجویدی

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مقاله

### مقدمه

«انما یعمر مساجد الله من آمن بالله» هر آینه تنها کسانی که ایمان به خدا دارند مساجد (خانه‌های خدا) را آباد می‌کنند. از ابتدای رمضان المبارک ۱۴۲۷ ه.ق مسجد سلطانزاده با تولیت استاد بزرگوار حوزه علمیه اصفهان حضرت آیت الله امامی دامت برکاته فعالیت‌های خود را آغاز، و هم اکنون با الطاف خاص امام هشتم سلطان ابی الحسن علی بن موسی الرضا (ع) ضمن برگزاری نماز جماعت به فعالیت‌های فرهنگی تبلیغی خود ادامه می‌دهد، لکن ساختمان قدیمی مسجد، پاسخگوی فعالیت‌ها و جمعیت موجود و همچنین زیننده‌ی چهارباغ اصفهان نمی‌باشد. لذا از خیرین محترم دعوت به همکاری برای ساختن مسجد در چند طبقه و ایجاد سالن مطالعه و کتابخانه تخصصی امام هشتم (ع) می‌نمایم.

جزاکم الله خیرا.

سید محمد رضا تجویدی

هیأت امناء مسجد

امام جماعت مسجد

۲۲۲۸۷۹۳-۰۳۱۱

### شبه‌ای کوتاه از زندگانی امام رضا (ع)

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) - در روز یازدهم ذی‌قعدة سال ۱۴۸ هجری دیده به جهان گشود.

(اعلام الوری با علام الهدی، ص ۳۱۳، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۸۶- الارشاد مفید، ص ۳۰۴)

مادر او بانویی با فضیلت بنام «تُكْتَم» بود که پس از تولد حضرت، از طرف امام کاظم (ع) - «طاهره» نام گرفت.

(همان کتاب، ص ۳۱۳، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۵ و ۷، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۴)

کنیه او «ابوالحسن» و لقبش «رضا» است. او پس از شهادت پدر بزرگوارش در زندان بغداد (در سال ۱۸۳ هجری) در سن ۳۵ سالگی عهده‌دار مقام امامت و رهبری اُمت گردید.

### خلفای معاصر حضرت

مدت امامت آن حضرت بیست سال بود که ده سال آن معاصر با خلافت «هارون الرشید»، پنج سال معاصر با خلافت «محمد امین»، و پنج سال آخر نیز معاصر با خلافت «عبدالله المأمون» بود.

امام تا آغاز خلافت مأمون در زادگاه خود، شهر مقدس مدینه، اقامت داشت، ولی مأمون پس از رسیدن به حکومت، حضرت را به

خراسان دعوت کرد و سرانجام حضرت در ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری (در سن ۵۵ سالگی) به شهادت رسید و در همان سرزمین به خاک سپرده شد.  
( اصول کافی ص ۴۸۶- الارشاد شیخ مفید، ص ۳۰۴ )

### انگیزه اصلی مأمون برای تشکیل جلسات مناظره

مأمون پس از تحمیل مقام ولایتعهدی بر امام رضا (ع) در خراسان جلسات گسترده‌ی بحث و مناظره تشکیل داد، و از اکابر علمای زمان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، به این جلسات دعوت کرد.

بی شک پوشش ظاهری این دعوت اثبات و تبیین مقام والای امام (ع) در رشته‌های مختلف علوم و مکتب اسلام بود، اما در این که در زیر این پوشش ظاهری چه صورتی پنهان بود در میان محققان گفتگو است:

۱- گروهی که با بدبینی این مسائل را می‌نگرند- و حق دارند که بدبین باشند، چرا که اصل در تفسیر نگرشهای سیاسی جباران بر بدبینی است- می‌گویند: مأمون هدفی جز این نداشت که به پندار خویش مقام امام (ع) را در انظار مردم، مخصوصاً ایرانیان که سخت به اهل بیت عصمت (ع) علاقه داشتند و عشق می‌ورزیدند، پایین بیاورد، به گمان اینکه امام تنها به مسائل ساده‌ای از قرآن و حدیث آشناست و از فنون و علم و استدلال بی بهره است.

گروه فوق، برای اثبات این مدعا به گفتار خود مأمون که در متون اسلامی آمده است، استدلال می‌کنند. چنانکه در روایتی از نوفلی، یار نزدیک امام (ع) می‌خوانیم:

سلیمان مروزی، عالم مشهور علم کلام، در خطبه‌ی خراسان نزد مأمون آمد. مأمون او را گرامی داشت و انعام فراوان داد. سپس به او گفت:

پسر عمویم علی بن موسی (ع) از حجاز نزد من آمده و او علم کلام (عقاید) و دانشمندان این علم را دوست دارد، اگر مایلی روز ترویج (روز هشتم ماه ذی الحجه)، (انتخاب این روز شاید برای اجتماع گروه بیشتری از علماء بوده است) نزد ما بیا و با او به بحث و مناظره بنشین.

سلیمان که به علم و دانش خود مغرور بود، گفت: ای امیرمؤمنان! من دوست ندارم از مثل او در مجلس تو در حضور جماعتی از بنی هاشم سؤال کنم، مبادا از عهده برنیاید و مقامش پایین آید، من نمی‌توانم سخن را با امثال او زیاد تعقیب کنم!

مأمون گفت: هدف من نیز چیزی جز این نیست که راه را بر او ببندی، چرا که من می‌دانم تو در علم و مناظره توانا هستی!

سلیمان گفت: اکنون که چنین است مانعی ندارد، در مجلسی از من و او دعوت کن و در این صورت مذمتی بر من نخواهد بود.

(عیون اخبار الرضا (ع) ج ۱ ص ۱۷۹، بحارالانوار ج ۴۹ ص ۱۷۷)

(این مناظره با قرار قبلی ترتیب یافت و امام (ع) در آن مجلس سلیمان را سخت در تنگنا قرار داد و تمام راههای جواب را بر او بست و ضعف و ناتوانی او را آشکار ساخت).

شاهد دیگر حدیثی است که از خود امام علی بن موسی الرضا (ع) نقل شده است. هنگامی که مأمون مجالس بحث و مناظره تشکیل می‌داد و شخصاً در مقابل مخالفان اهل بیت (ع) به بحث می‌نشست و امامت امیرمؤمنان علی (ع) تقرب جوید، امام (ع) به افرادی از یارانش که مورد وثوق بودند، چنین فرمود:

«فریب سخنان او را نخورید، به خدا سوگند هیچ کس جز او مرا به قتل نمی‌رساند، ولی چاره‌ای جز صبر ندارم تا دوران زندگیم به سر آید».

(عیون اخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۱۸۵، بحارالانوار ج ۴۹ ص ۱۸۹)

البته مأمون حق داشت که این گونه با کمال صراحت از مکتب امیرمؤمنان علی دفاع کند. زیرا از یک سو شعار نخستین حکومت عباسیان شعار «الرضا من آل محمد» بود و به برکت آن توانسته بودند روی کار آیند، و از سوی دیگر ستون فقرات لشکر و رجال حکومتش را ایرانیان تشکیل می دادند که عاشق مکتب اهل بیت (ع) بودند و برای حفظ آنها راهی جز این نداشت. به هر حال تغییرات امام (ع) در حدیث فوق به خوبی نشان می دهد که مأمون در برنامه-هایش در مورد جلسات مناظره صدافتی نداشت، چنانکه ابوالصلت پیشکار امام، در این باره می گوید:

«... از آنجا که امام در میان مردم به علت فضائل و کمالات معنوی خود محبوبیت روز افزون می یافت، مأمون بر آن شد که علمای کلام را از هر نقطه ی کشور فرا خواند، تا در مباحثه، امام را به موضع عجز اندازد و بدین وسیله مقامش از نظر دانشمندان پایین بیاید، و عامه ی مردم نیز پی به کمبودهایش ببرند، ولی امام (ع) دشمنان خود- از یهودی، مسیحی، زردشتی، برهمن، صائبی، منکر خدا و - همه را در بحث محکوم نمود...»

(عیون اخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۲۳۹، بحار الانوار ج ۴۹ ص ۲۹۰)

جالب توجه آن که دربار مأمون پیوسته محل برگزاری این گونه مباحث بود، ولی پس از شهادت امام (ع) دیگر اثری از آن مجالس علمی و بحثهای کلامی دیده نشد و این مسئله قابل دقت است.

خود امام (ع) هم که از قصد مأمون آگاهی داشت، می فرمود: هنگامی که من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با اهل زبور به زبورشان، با ستاره پرستان به شیوه ی عبرانیان، با موبدان به شیوه ی پارسشان، با رومیان به سبک خودشان، و با اهل بحث و گفتگو به زبانهای خودشان استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وادار کنم، مأمون خود خواهد فهمید که راه خطا را برگزیده، و یقیناً پشیمان خواهد شد...

(بحار الانوار ج ۴۹ ص ۱۷۵، مسند الامام الرضا (ع) ج ۲ ص ۷۵)

و به این ترتیب نظر بدبینان در این زمینه کاملاً تقویت می شود.

۲- اگر از این انگیزه صرف نظر کنیم انگیزه ی دیگری که در اینجا جلب توجه می کند این است که مأمون می خواست مقام والای امام هشتم (ع) را تنها در بعد علمی منحصر کند، و تدریجاً او را از مسائل سیاسی کنار بزند، و چنین نشان دهد که امام مرد عالمی است و پناهگاه امت اسلامی در مسائل علمی است، ولی او کاری با مسائل سیاسی ندارد و به این ترتیب شعار تفکیک دین از سیاست را عملی کند!

۳- انگیزه ی دیگری که در اینجا به نظر می رسد این است که همیشه سیاستمداران شیاد و کهنه کار اصرار دارند در مقطعهای مختلف، سرگرمیهای برای توده ی مردم درست کنند تا افکار عمومی را به این وسیله از مسائل اصلی جامعه و ضعفهای حکومت خود منحرف سازند. او مایل بود که مسئله ی مناظره امام علی بن موسی الرضا (ع) با علمای بزرگ عصر و زمان خود نقل محافل و مجالس باشد، و همه ی علاقه مندان و عاشقان مکتب اهل بیت (ع) در جلسات خود به این مسائل پردازند و از پیروزیهای امام در این مباحث سخن بگویند، و مأمون کارهای سیاسی خود را با خیال راحت دنبال کند، و پوششی بر نقاط ضعف حکومتش باشد.

۴- چهارمین انگیزه ای که در اینجا به نظر می رسد، این است که مأمون خود، آدم بی فضلی نبود، تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه ی اسلامی معرفی گردد، و عشق او را به علم و دانش آن هم در محیط ایران خصوصاً و در محیط اسلام آن روز عموماً همگان باور کنند، و این یک امتیاز برای حکومت او باشد و از این طریق گروهی را به خود متوجه سازد.

از آنجا که این جلسات بحث و مناظره به هر حال قطعاً جنبه ی سیاسی داشت و مسائل سیاسی معمولاً تک علتی نیستند، هیچ مانعی ندارد که بگوییم احتمالاً همه ی انگیزه های چهارگانه برای مأمون مطرح بوده است.

در هر صورت با این انگیزه ها جلسات بحث و مناظره ی گسترده ای از سوی مأمون تشکیل شد، ولی چنان که خواهیم دید مأمون از



این جلسات ناکام بیرون آمد، و نه تنها به هدفش نرسید، بلکه نتیجه‌ی معکوس گرفت.

اکنون با در نظر گرفتن این مقدمات به سراغ قسمتی از این جلسات بحث و مناظره می‌رویم، هر چند با کمال تأسف در متون تاریخ و حدیث گاهی جزئیات بحثهایی که رد و بدل شده اصلاً ذکر نگردیده، بلکه بسیار خلاصه شده است، و ای کاش امروز همه آن جزئیات در اختیار ما بود تا بتوانیم به عمق سخنان امام (ع) پی ببریم و از زلال کوثر علمش بنوشیم و سیراب شویم (و این گونه کوتاهیها و سهل انگاریها در کار راویان حدیث، و ناقلان تاریخ کم نیست که تنها تأسفش امروز برای ما باقی مانده است)، ولی خوشبختانه قسمتهایی را مشروح نقل کرده اند که همانها می‌تواند مشتی از خروار باشد.

(سیره‌ی پیشوایان ص ۵۱۱-۵۱۵)

## احتجاج امام رضا با زنادقه و اهل ادیان

محمد بن عبدالله خراسانی خادم حضرت رضا (ع) گوید یکی از زنادقه خدمت امام رضا آمد در حالی که گروهی نزد آن جناب بودند.

امام (ع) فرمود: ای مرد اگر قضیه آن طور است که شما می‌گویید و این جهان صناعی ندارد و مردم مکلف نیستند (در صورتی که چنین نیست جهان آفریننده دارد، و مردم هم مکلف هستند) ما با شما مساوی هستیم، و نماز و روزه ای که انجام داده ایم و تکالیفی که به آن عمل کرده ایم به ما ضرر و زیانی نخواهد رسانید، آن مرد سکوت کرد و چیزی نگفت.

بار دیگر حضرت رضا (ع) فرمود: اگر عقیده ما درست باشد و خدایی وجود داشته باشد و مردم موظفند تکالیفی انجام دهند، و قطعاً همین طور است و خدایی وجود دارد، و بهشت دوزخی هست، و ثواب و عقابی وجود دارد، و حساب و کتابی می‌باشد، در این صورت ما نجات پیدا می‌کنیم، و شما به هلاکت خواهید رسید.

مرد زندیق گفت: خداوند چگونه است و در کجا هست؟

امام (ع) فرمود: وای بر تو این چه سخنی است که می‌گویی، خداوند مکان و کیفیت را خلق کرده و او را به زمان و مکان شناخته نمی‌گردد، و با حواس ظاهری و قیاس قابل تعریف نیست پس حالا که با حواس و قوای ظاهری شناخته نمی‌شود و قابل درک هم نیست پس اصلاً وجود خارجی ندارد.

حضرت رضا (ع) فرمود: وای بر تو چون با قوای ظاهری او را درک نمی‌کنی منکر وجودش می‌گرددی، ما هرگاه با دید ظاهر و حواس حیوانی از درک آن عاجز باشیم یقین می‌کنیم که او خداوند ما هست و با سایر اشیاء فرق دارد.

آن مرد گفت: خداوند در چه زمانی بوده. فرمود: بگو در چه زمانی نبوده است تا من بگویم در چه زمانی بوده است؟

گفت: دلیل بر مطلب شما چیست؟

فرمود: هنگامی که بدن خود را مشاهده می‌کنم و قدرت ندارم بر آن چیزی بیفزایم و یا از آن چیزی کم کنم، و یا نفع و ضرر را از خود دفع کنم، می‌دانم که این بدن را یک خدای عالم و قدیر از روی علم و بصیرت ساخته است، و این فلک را با نیروی خود آفریده و آن را بگردش واداشته است، و ابرها را ایجاد کرده و باد را فرمان می‌دهد تا ابرها را پراکنده کند.

خداوندی که آفتاب و ماه و ستارگان را خلق کرده و هر کدام در یک مسیر معین حرکت می‌کنند و برای یکدیگر مزاحمت ایجاد نکرده اند، و این آیات شگفت انگیز که در زمین و آسمان و دریاها است و با نیروی علم و قدرت چنان محکم آفریده شده که از هم متلاشی نمی‌گردد.

ما از این آیات و نشانه‌ها درک می‌کنیم و می‌دانیم که این مصنوعات صانع و آفریدگار دارند، گفت: پس چرا خداوند خود را مخفی نگه داشته است؟

امام رضا (ع) فرمود: چون مردم معصیت کار و اهل گناه و فساد هستند از این رو خداوند خود را از آنها مخفی داشته است، در صورتی که تمام اعمال مردم در شب و روز از وی مخفی نیست. گفت: پس چرا با چشم ظاهر نمی توان خداوند را مشاهده کرد؟ فرمود: برای اینکه میان او و مخلوقاتش فرق باشد، چون مخلوقات او با چشم ظاهر قابل رؤیت می باشند، علاوه بر اینکه وی بزرگتر از این است که با عقل و وهم قابل درک باشد. گفت: خداوند را برای من تعریف کنید، فرمود: خداوند قابل تعریف نیست. گفت: چرا؟

فرمود: برای اینکه هر محدودی به حدی منتهی می شود، و هرگاه احتمال تحدید رفت، احتمال زیادت هم می رود، و در صورت احتمال زیادت احتمال نقصان هم می رود، در صورتی که خداوند نه محدود به زمان و مکان است و نه دارای دست و پا و اعضاء و جوارح است و نه نقصان و تجزی در آن راه دارد، و نه با وهم و گمان می شود او را دریافت و تصور کرد. آن مرد ملحد گفت: شما می گوئید: خداوند لطیف، سمیع، بصیر، علیم و حکیم است، آیا می شود بدون گوش و چشم چیزی را دید؟! و لطیف نیز به کسی می گویند که با دست خود چیزی ساخته باشد و حکیم را نیز با صنعتش می شناسند. امام رضا (ع) فرمود: خداوند را از این جهت لطیف می گویند که مخلوقات لطیفی را آفریده، و در حیوانات جان را جسم مرکب کرده و هر جنسی از مخلوقات خود را به صورت های گوناگون خلق کرده که یکی با دیگری فرق دارد. خداوند را از این جهت لطیف گفتند که با علم و بصیرت این صورت ها را به هم پیوند داد، هنگامی که به درختان و میوه های گوناگون آن می نگرییم می گوئیم خداوند لطیف است که این میوه ماکول و غیر ماکول را خلق کرده است. و اگر می گوئیم خداوند شنوا است، مقصود این است که اصوات همه مخلوقات خود را در از عرش تا فرش در دریاها و بیابانها می شنود و لغات متعدد و زبان های گوناگون را درک می - کند و در این جا نیازی به گوش ندارد. اگر می گوئیم خداوند بصیر است و همه چیز را مشاهده می کند، قصد این نیست که وی مانند بشر و حیوانات اشیاء را می نگرند، خداوند ذره سیاه را در شب تاریک از روی سنگ سیاه مشاهده می نماید، و حرکت مورچه را در شب سیاه می نگرند، و نفع و ضرر و تخم ریزی و نسل مورچه را می بیند. ما می گوئیم خداوند اشیاء را مشاهده می - کند نه مانند بندگانش که با چشم سر اشیاء را می نگرند. راوی می گوید آن مرد ملحد پس از این گفتگوها مسلمان شد.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب احتجاجات، صص ۵۹۳-۵۹۶)

### سخن پیرامون کتاب انجیل - گفتگو و احتجاج با جاثلیق

... حضرت رضا (ع) فرمود: ای نصرانی آیا در انجیل گفتار عیسی را که فرمود: من بزودی نزد خدای خود شما خواهم رفت و فارقلیطا خواهد آمد، و او به حقانیت من گواهی می دهد همانطور که من به حقانیت او گواهی می دهم، و اوست که همه چیز را برای شما تفسیر خواهد کرد، و رسواییهای ملت ها را آشکار می کند و ستون کفر را می شکند.

جاثلیق گفت: هر چه در انجیل باشد ما به او اعتراف داریم.

امام رضا (ع) فرمود: آیا این سخنان در این انجیل هست؟

جاثلیق گفت: آری، حضرت رضا (ع) فرمود: ای جاثلیق به من بگوئید آن انجیلی را که گم کردید در کجا او را یافتید، و این انجیل را چه کسی برای شما وضع کرد؟

گفت: ما فقط یک روز انجیل را گم کردیم و بار دیگر او را تر و تازه و بدون کم و کاست پیدا کردیم، و این انجیل را یوحنا و متی برای ما فراهم آورده، و ما این انجیل فعلی را از آن دو نفر داریم.

حضرت رضا (ع) فرمود: شناسایی تو نسبت به انجیل بسیار کم است، و اگر مطلب این طور است که بیان می کنید پس چرا در انجیل اختلاف کرده اید؟ و همین انجیلی که امروز در دست شما هست مورد اختلاف است و اگر آن همان انجیل نخستین بود که در آن اختلاف نمی کردید؟

من اکنون در این باره شما را روشن می کنم تا درک کنی که مطلب از چه قرار است و جریان انجیل از چه قرار بوده است؟ اکنون بدان هنگامی که انجیل اول گم شد، نصاری اجتماع کردند و گفتند عیسی بن مریم کشته شد و انجیل مفقود شد اینک شما علماء نصاری در این باره چه می کنید.

لوقا و مرقابوس گفتند: انجیل در سینه ما محفوظ است، و ما همه اسفار آن را برای شما خواهیم نوشت، اینک اندوهگین نباشید و کنائس را خالی نگذارید، ما به همین زودی همه انجیل را برای شما جمع آوری خواهیم کرد. لوقا، مرقابوس، یوحنا و متی دور هم جمع شدند و این انجیل را وضع کردند، در صورتی که این چهار نفر شاگردان شاگردان حواریون بودند.

در این هنگام امام رضا (ع) به جاثلیق گفتند: مطلب را فهمیدی و دانستی که انجیل چگونه جمع شده اند؟ گفت: من این موضوع را تاکنون نمی دانستم و اکنون متوجه شدم که هم چه سخنانی در بین بوده است، و برای من روشن شد که شما از انجیل به طور کامل اطلاع دارید، و اکنون چیزهایی شنیدم و دانستم که آنها حق است. و بر فهم و علم من افزوده شد. امام رضا (ع) فرمود: شهادت این گروه در نزد شما چگونه است؟ گفت اینان علماء انجیل هستند و هر چه گفتند حق است. حضرت در این موقع متوجه مأمون و سایر کسانی که در مجلس بودند شدند و فرمود: شاهد هستید که این مرد چه می گوید؟ گفتند: ما سخنان او را شنیدیم و به آنچه شنیده ایم گواهی می دهیم. سپس متوجه جاثلیق شد و فرمود: به حق فرزند و مادرش آیا می-دانی که متی گفت: مسیح فرزند داوود بن ابراهیم بن اسحاق بن یعقوب است، و مرقابوس گفت: وی کلمه خداوند است که خداوند او را در جسد آدمی حلول کرده است، و سپس بصورت انسانی در آمده، لوقا گفت: عیسی و مادرش دو انسان بودند از گوشت و خون و روح القدس در آن داخل شد.

شما می گوید که عیسی گفت: ای حواریون هر کسی به آسمان بالا-رود از آنجا فرود نخواهد آمد، مگر خاتم پیغمبران که به آسمان می رود و بار دیگر به زمین باز می گردد، آیا این مطلب درست است؟ جاثلیق گفت: مطلب همین طور است و ما آن را از عیسی روایت می کنیم، فرمود درباره ی شهادت لوقا، مرقابوس و متی راجع به عیسی چه می گوید؟ گفت: آنها دروغ گفته اند.

امام رضا (ع) فرمود: ای گروه مردم مگر جاثلیق قبلاً این افراد را تصدیق نکرد و گفته های آنان را درست نخواند، و گواهی نداد که آنها علماء انجیل هستند و گفتار آنان حق است.

جاثلیق گفت: ای عالم مسلمانان دوست دارم مرا در این مورد و از گفتگو درباره این اشخاص معاف بدارید و از این بحث در گذرید.

فرمود: ما از این گذشتیم اینک هر چه در نظر داری سؤال کن، گفت: دیگری سئوالات خود را مطرح کند به مسیح سوگند در میان علماء مسلمانان مانند شما کسی نیست.

(آثار و اخبار امام رضا (ع)، احتجاجات صص ۶۰۷-۶۰۹، منتهی الآمال ج ۲ ص ۵۲۳)

ابوالصلت هروی گوید: یکی از روزها مأمون به امام رضا (ع) گفت: چرا جدت امیرالمومنین (ع) را قسیم بهشت و دوزخ گفته اند؟ و معنی این حدیث چیست؟ و من هر چه فکر می‌کنم حقیقت این حدیث را درک نمی‌کنم؟  
حضرت رضا (ع) فرمود: شما از پدران از ابن عباس روایت می‌کنید که حضرت رسول (ع) فرمود: محبت علی ایمان و بغض علی کفر است.

گفت: آری، حضرت بار دیگر فرمود: پس به این معنی علی قسیم بهشت و دوزخ می‌باشد.  
مأمون گفت: یا ابوالحسن خداوند مرا بعد از تو زنده نگذارد، من اینک گواهی می‌دهم که تو وارث علم پیغمبر خدا هستی.  
ابوصلت هروی گوید:

پس از اینکه حضرت رضا (ع) به منزلش تشریف آوردند خدمت آن جناب رسیدم و عرض کردم یا بن رسول الله بسیار خوب به مأمون جواب دادی.

امام رضا (ع) فرمود: ای ابوالصلت من طبق عقیده او سخن گفتم، و لیکن از پدرم شنیدم که از پدران خود از علی (ع) روایت می‌کرد که حضرت رسول (ص) فرمود: ای علی! تو قسیم بهشت و دوزخ هستی، به آتش م‌یگویی این را بگیر و این یکی را برای من واگذار.

(آثار و اخبار امام رضا (ع)، کتاب احتجاجات، صص ۶۴۷)

### گلچینی از معارف رضوی (ع)

امام رضا (ع) فرمودند:

۱- هرگاه انسان گرفتار پرحرفی شد، هیچ گاه از سخن گفتن سیر نمی‌گردد، و هرگاه از سخنی فارغ گردد به سخنی دیگر می‌پردازد.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب نوادر، ص ۸۲۶ ح ۴۷)

۲- بخیل را حتی ندارد، حسود لذت ندارد، پادشاهان وفا ندارند، دروغگو مردانگی ندارد.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب نوادر، ص ۸۲۷ ح ۵۲)

۳- امام رضا (ع) از پدران از علی (ع) روایت کرده که فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم می‌فرمود: انگشتر عقیق در دست کنید زیرا او اولین کوهی است که به وحدانیت خداوند و نبوت من و ولایت تو ای علی و به دخول شیعیان به بهشت ایمان آورد.

(اخبار و آثار امام رضا (ع) ص ۸۳۵ ح ۲۰)

۴- حضرت از جدش رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: خرما را ناشتا میل کنید، تا کرمهای شکم را بکشد.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب الاطعمه، ص ۷۱۳ ح ۳۳)

۵- حضرت از جدش رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: روغن زیتون بخورید که اخلاط بدن را می‌برد و بلغم را زائل می‌کند و اعصاب را قوی می‌نماید و ضعف و ناتوانی را از بدن می‌برد، اخلاق را نیکو می‌گرداند، و دهان را خوشبو می‌کند و اندوه را می‌زداید.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب الاطعمه ص ۷۱۶ ح ۴۴)

۶- یک عدد به برای رسول خدا (ص) آوردند، پیغمبر اکرم آن را شکافت مقداری خودش میل فرمود و بقیه را به اصحابش تقسیم کرد؟ رسول اکرم (ص) به را بسیار دوست داشت و به اصحاب خود فرمود: خوردن به را ترک نکنید که دل را روشن می‌کند و

اخلاط سینه را می‌برد.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب اطعمه، ص ۷۱۷ ح ۵۱)

۷- احمد بن عامر طایبی از حضرت رضا (ع) از پدرانش از علی (ع) روایت کرده که حضرت رسول (ص) فرمود: شیطان از مؤمن دل‌تنگ است مادامیکه نمازهای پنجگانه را به جای آورد، هرگاه نماز خود را ترک گفت شیطان بر او مسلط می‌گردد و او را گرفتار گناه و فساد می‌کند.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب الصلوه، ص ۶۵۸ ح ۴)

علت تشریح زکات

۸- محمد بن سنان گوید: حضرت رضا (ع) در جواب مسائل من نوشت:

علت تشریح زکات به جهت معاش فقرا بوده است، اگر اغنیاء از مال خود حق فقرا را ندهند اموال آنها در معرض تلف و نابودی خواهد بود.

خداوند متعال مردمان سالم را مکلف کرده که به بیماران و علیلان و ناتوانان و گرفتاران رسیدگی کنند و در قرآن مجید فرموده: «لتبلون فی اموالکم و انفسکم». خداوند متعال در اموال آنها حقوقی برای فقراء معین کرده و فرموده است: باید زکات مال خود را بپردازند، و در مورد نفس نیز باید در مشکلات صابر و شکیبا باشند، و همواره خود را بردبار و حلیم دارند و شکر و سپاس پروردگار را به جای آورند، و همواره در فکر فقراء و ضعفاء بوده و از اموال زیادی که به دست می‌آورند باید در خیرات و مبرات انفاق کنند و با مساکین و درماندگان باید نظر رأفت و رحمت داشته باشند.

اغنیاء باید با اهل فقر مسکنت مهربان باشند، و با آنها مواساه و همراهی کنند، و در کمک و تقویت بیچارگان بکوشند، آنها را در امور دین یاری دهند.

زکات پندی است برای مال داران و ثروتمندان که باید از آن پند گیرند و در فکر نیازمندان باشند و آنان باید خداوند را سپاسگزار باشند که به آنها نعمت و ثروت ارزانی داشته است، اغنیاء باید همواره در تضرع باشند و از خداوند بترسند و حقوق واجبه خود را بدهند تا روزی مانند فقراء مستحق زکات نگردند.

(اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب زکات، ص ۶۷۵ ح ۱)

علت تصنیف حقوق زنان

اما علت اینکه به زنها نصف حقوق مردان در میراث داده می‌شود اینست که زن وقتی شوهر کرد چیزهایی می‌گیرد و مرد می‌دهد و از اینجهت برای مردها تفاوت و توفیر پیدا شده، علت دیگر، در دادن مرد است دو برابر آنچه که به زن داده می‌شود زیرا که زن عیال و خرج بگیر از مرد است اگر احتیاج داشت و بر مرد است که او را خرج مخارج بدهد و بر اوست نفقه و گذران زن و لیکن بر عهده زن نیست که خرج مرد را بدهد و نمی‌باید نفقه خود را از آن نگیرد اگر احتیاج بیابد و از اینجا است که خدای سبحان برای مردان تفاوت قرار داده و این است قول خدای متعال که می‌فرماید: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم».

یعنی مردان استیلاء و تسلط دارند بر زنان بواسطه ی تفضیل و برتری که خدا بعضی از آنها را نسبت به دیگری داده و بواسطه آنچه که از دارایی و اموال خود برای ایشان خرج می‌کند. (زندگانی امام رضا(ع)/ ابوالقاسم سحاب/ ج ۲ ص ۲۲۲)

«قَالَ (ع): رَجِمَ اللَّهُ عَيْدًا أُحْبِي أُمْرَنَا، قِيلَ: كَيْفَ يُحْبِي أُمْرُكُمْ؟ وَقَالَ (ع): يَتَعَلَّمُ عَلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَاِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا.

فرمود: رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را زنده نماید، سؤال شد: چگونه؟ حضرت پاسخ داد: علوم ما را فرا گیرد و به دیگران

بیاموزد. زیرا که اگر مردم خوبی‌ها و فوائد سخن ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند.

(معانی الاخبار ج ۱۱۴، بحار الأنوار: ج ۲، ص ۳۰، ح ۱۳.)

«قال (ع): لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْ لَيَسْتَعْمِلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.

فرمود: باید هر یک از شماها امر به معروف و نهی از منکر نمائید، و گرنه شرورترین افراد بر شما تسلط یافته و آنچه که خوبان شما،

دعا و نفرین کنند مستجاب نخواهد شد. (الدرّه الباهره: ص ۳۸، س ۳، بحار: ج ۷۵، ص ۳۵۴، ح ۱۰.)

«قال (ع): الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَلَعْنَةٌ، وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ.

فرمود: مریضی، برای مؤمن سبب رحمت و آمرزش گناهانش می‌باشد و برای کافر عذاب و لعنت خواهد بود.

سپس افزود: مریضی، همیشه همراه مؤمن است تا آن که از گناهانش چیزی باقی نماند و پس از مرگ آسوده و راحت باشد.

(بحار الأنوار: ج ۷۸، ص ۱۸۳، ح ۳۵، ثواب الأعمال: ص ۱۷۵.)

«قال (ع): لَا يُجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ، وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ، وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.

فرمود: ثروت، انباشته نمی‌گردد مگر با یکی از پنج خصلت: بخیل بودن، آرزوی طول و دراز داشتن، حریص بر دنیا بودن، قطع

صله رحم کردن، آخرت را فدای دنیا کردن.

(وسائل الشیعه: ج ۲۱، ص ۵۶۱، ح ۲۷۸۷۳.)

«قال (ع): شِيعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا، الْأَخْدُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُخَالِفُونَ لِأَعْدَائِنَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا.

فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگی - در عمل و گفتار - خود قرار دهند،

مخالف دشمنان ما باشند و هر که چنین نباشد از ما نیست.

(جامع أحاديث الشیعه: ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۲۳۴، بحار: ج ۶۵، ص ۱۶۷، ح ۲۴.)

«قال (ع): لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنَ اللَّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَالِيهِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنَ اللَّهِ فَكَيْفَانُ

السَّرِّ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ مُدَارَاهُ النَّاسِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَالِيهِ فَالْصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ.

فرمود: مؤمن، حقیقت ایمان را درک نمی‌کند مگر آن که سه خصلت را دارا باشد: خصلتی از خداوند، که کتمان اسرار افراد

باشد، خصلتی از پیغمبر اسلام (ص) که مدارا کردن با مردم باشد، خصلتی از ولی خدا که صبر و شکیبائی در مقابل شدائد و سختی

ها را داشته باشد. (بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۳۳۴، ح ۱، مستدرک الوسائل: ج ۹، ص ۳۷، ح ۱۰۱۳۸.)

«قال (ع): مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ قَوَّتْ بِنَا فِي الْجِنَانِ عَيْنُهُ.

فرمود: هر کس روز عاشورای امام حسین (ع)، دنبال کسب و کار نرود (و مشغول عزاداری و حزن و اندوه گردد)، خداوند متعال

خواسته‌ها و حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می‌نماید، و در بهشت چشمش به دیدار ما - اهل بیت - روشن می‌گردد.

(عیون أخبار الرضا (ع) ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۷.)

## احتجاج امام رضا با زنادقه و اهل ادیان

محمد بن عبدالله خراسانی خادم حضرت رضا (ع) گوید یکی از زنادقه خدمت امام رضا آمد در حالی که گروهی نزد آن جناب

بودند.

امام (ع) فرمود: ای مرد اگر قضیه آن طور است که شما می‌گوئید و این جهان صانعی ندارد و مردم مکلف نیستند (در صورتی که

چنین نیست جهان آفریننده دارد، و مردم هم مکلف هستند) ما با شما مساوی هستیم، و نماز و روزه ای که انجام داده ایم و

تکالیفی که به آن عمل کرده ایم به ما ضرر و زیانی نخواهد رسانید، آن مرد سکوت کرد و چیزی نگفت.

بار دیگر حضرت رضا (ع) فرمود: اگر عقیده ما درست باشد و خدایی وجود داشته باشد و مردم موظفند تکالیفی انجام دهند، و قطعاً همین طور است و خدایی وجود دارد، و بهشت دوزخی هست، و ثواب و عقابی وجود دارد، و حساب و کتابی می باشد، در این صورت ما نجات پیدا می کنیم، و شما به هلاکت خواهید رسید.

مرد زندیق گفت: خداوند چگونه است و در کجا هست؟

امام (ع) فرمود: وای بر تو این چه سخنی است که می گویی، خداوند مکان و کیفیت را خلق کرده و او را به زمان و مکان شناخته نمی گردد، و با حواس ظاهری و قیاس قابل تعریف نیست پس حالا که با حواس و قوای ظاهری شناخته نمی شود و قابل درک هم نیست پس اصلاً وجود خارجی ندارد.

حضرت رضا (ع) فرمود: وای بر تو چون با قوای ظاهری او را درک نمی کنی منکر وجودش می گردی، ما هرگاه با دید ظاهر و حواس حیوانی از درک آن عاجز باشیم یقین می کنیم که او خداوند ما هست و با سایر اشیاء فرق دارد.

آن مرد گفت: خداوند در چه زمانی بوده. فرمود: بگو در چه زمانی نبوده است تا من بگویم در چه زمانی بوده است؟ گفت: دلیل بر مطلب شما چیست؟

فرمود: هنگامی که بدن خود را مشاهده می -کنم و قدرت ندارم بر آن چیزی بیفزایم و یا از آن چیزی کم کنم، و یا نفع و ضرر را از خود دفع کنم، می دانم که این بدن را یک خدای عالم و قدیر از روی علم و بصیرت ساخته است، و این فلک را با نیروی خود آفریده و آن را بگردش واداشته است، و ابرها را ایجاد کرده و باد را فرمان می دهد تا ابرها را پراکنده کند. خداوندی که آفتاب و ماه و ستارگان را خلق کرده و هر کدام در یک مسیر معین حرکت می کنند و برای یکدیگر مزاحمت ایجاد نکرده اند، و این آیات شگفت انگیز که در زمین و آسمان و دریاها است و با نیروی علم و قدرت چنان محکم آفریده شده که از هم متلاشی نمی -گردد.

ما از این آیات و نشانه ها درک می کنیم و می دانیم که این مصنوعات صانع و آفریدگار دارند، گفت: پس چرا خداوند خود را مخفی نگه داشته است؟

امام رضا (ع) فرمود: چون مردم معصیت کار و اهل گناه و فساد هستند از این رو خداوند خود را از آنها مخفی داشته است، در صورتی که تمام اعمال مردم در شب و روز از وی مخفی نیست.

گفت: پس چرا با چشم ظاهر نمی توان خداوند را مشاهده کرد؟

فرمود: برای اینکه میان او و مخلوقاتش فرق باشد، چون مخلوقات او با چشم ظاهر قابل رؤیت می باشند، علاوه بر اینکه وی بزرگتر از این است که با عقل و وهم قابل درک باشد.

گفت: خداوند را برای من تعریف کنید، فرمود: خداوند قابل تعریف نیست.

گفت: چرا؟

فرمود: برای اینکه هر محدودی به حدی منتهی می شود، و هرگاه احتمال تحدید رفت، احتمال زیادت هم می رود، و در صورت احتمال زیادت احتمال نقصان هم می رود، در صورتی که خداوند نه محدود به زمان و مکان است و نه دارای دست و پا و اعضاء و جوارح است و نه نقصان و تجزی در آن راه دارد، و نه با وهم و گمان می شود او را دریافت و تصور کرد.

آن مرد ملحد گفت: شما می گوئید: خداوند لطیف، سمیع، بصیر، علیم و حکیم است، آیا می شود بدون گوش و چشم چیزی را دید؟! و لطیف نیز به کسی می گویند که با دست خود چیزی ساخته باشد و حکیم را نیز با صنعتش می شناسند.

امام رضا (ع) فرمود: خداوند را از این جهت لطیف می گویند که مخلوقات لطیفی را آفریده، و در حیوانات جان را جسم مرکب کرده و هر جنسی از مخلوقات خود را به صورت های گوناگون خلق کرده که یکی با دیگری فرق دارد.



خداوند را از این جهت لطیف گفتند که با علم و بصیرت این صورت‌ها را به هم پیوند داد، هنگامی که به درختان و میوه‌های گوناگون آن می‌نگریم می‌گوییم خداوند لطیف است که این میوه ماکول و غیر ماکول را خلق کرده است. و اگر می‌گوییم خداوند شنوا است، مقصود این است که اصوات همه مخلوقات خود را در از عرش تا فرش در دریاها و بیابانها می‌شنود و لغات متعدد و زبان‌های گوناگون را درک می‌کند و در این جا نیازی به گوش ندارد. اگر می‌گوییم خداوند بصیر است و همه چیز را مشاهده می‌کند، قصد این نیست که وی مانند بشر و حیوانات اشیاء را می‌نگرد، خداوند ذره سیاه را در شب تاریک از روی سنگ سیاه مشاهده می‌نماید، و حرکت مورچه را در شب سیاه می‌نگرد، و نفع و ضرر و تخم‌ریزی و نسل‌مورچه را می‌بیند. ما می‌گوییم خداوند اشیاء را مشاهده می‌کند نه مانند بندگانش که با چشم سر اشیاء را می‌نگرد. راوی می‌گوید آن مرد ملحد پس از این گفتگوها مسلمان شد. (اخبار و آثار امام رضا (ع)، کتاب احتجاجات، صص ۵۹۳-۵۹۶)

### سخن پیرامون کتاب انجیل - گفتگو و احتجاج با جاثلیق

... حضرت رضا (ع) فرمود: ای نصرانی آیا در انجیل گفتار عیسی را که فرمود: من بزودی نزد خدای خود شما خواهم رفت و فارقلیطا خواهد آمد، و او به حقانیت من گواهی می‌دهد همانطور که من به حقانیت او گواهی می‌دهم، و اوست که همه چیز را برای شما تفسیر خواهد کرد، و رسواییهای ملت‌ها را آشکار می‌کند و ستون کفر را می‌شکند. جاثلیق گفت: هر چه در انجیل باشد ما به او اعتراف داریم. امام رضا (ع) فرمود: آیا این سخنان در این انجیل هست؟ جاثلیق گفت: آری، حضرت رضا (ع) فرمود: ای جاثلیق به من بگوئید آن انجیلی را که گم کردید در کجا او را یافتید، و این انجیل را چه کسی برای شما وضع کرد؟ گفت: ما فقط یک روز انجیل را گم کردیم و بار دیگر او را تر و تازه و بدون کم و کاست پیدا کردیم، و این انجیل را یوحنا و متی برای ما فراهم آورده، و ما این انجیل فعلی را از آن دو نفر داریم. حضرت رضا (ع) فرمود: شناسایی تو نسبت به انجیل بسیار کم است، و اگر مطلب این طور است که بیان می‌کنید پس چرا در انجیل اختلاف کرده‌اید؟ و همین انجیلی که امروز در دست شما هست مورد اختلاف است و اگر آن همان انجیل نخستین بود که در آن اختلاف نمی‌کردید؟

من اکنون در این باره شما را روشن می‌کنم تا درک کنی که مطلب از چه قرار است و جریان انجیل از چه قرار بوده است؟ اکنون بدان هنگامی که انجیل اول گم شد، نصاری اجتماع کردند و گفتند عیسی بن مریم کشته شد و انجیل مفقود شد اینک شما علماء نصاری در این باره چه می‌کنید. لوقا و مرقابوس گفتند: انجیل در سینه ما محفوظ است، و ما همه اسفار آن را برای شما خواهیم نوشت، اینک اندوهگین نباشید و کنائس را خالی نگذارید، ما به همین زودی همه انجیل را برای شما جمع آوری خواهیم کرد. لوقا، مرقابوس، یوحنا و متی دور هم جمع شدند و این انجیل را وضع کردند، در صورتی که این چهار نفر شاگردان شاگردان حواریون بودند.

در این هنگام امام رضا (ع) به جاثلیق گفتند: مطلب را فهمیدی و دانستی که انجیل چگونه جمع شده‌اند؟ گفت: من این موضوع را تاکنون نمی‌دانستم و اکنون متوجه شدم که هم چه سخنانی در بین بوده است، و برای من روشن شد که



شما از انجیل به طور کامل اطلاع دارید، و اکنون چیزهایی شنیدم و دانستم که آنها حق است. و بر فهم و علم من افزوده شد. امام رضا (ع) فرمود: شهادت این گروه در نزد شما چگونه است؟ گفت اینان علماء انجیل هستند و هر چه گفتند حق است. حضرت در این موقع متوجه مأمون و سایر کسانی که در مجلس بودند شدند و فرمود: شاهد هستید که این مرد چه می گوید؟ گفتند: ما سخنان او را شنیدیم و به آنچه شنیده ایم گواهی می دهیم. سپس متوجه جاثلیق شد و فرمود: به حق فرزند و مادرش آیا می-دانی که متی گفت: مسیح فرزند داوود بن ابراهیم بن اسحاق بن یعقوب است، و مرقابوس گفت: وی کلمه خداوند است که خداوند او را در جسد آدمی حلول کرده است، و سپس بصورت انسانی در آمده، لوقا گفت: عیسی و مادرش دو انسان بودند از گوشت و خون و روح القدس در آن داخل شد.

شما می گوید که عیسی گفت: ای حواریون هر کسی به آسمان بالا-رود از آنجا فرود نخواهد آمد، مگر خاتم پیغمبران که به آسمان می رود و بار دیگر به زمین باز می گردد، آیا این مطلب درست است؟

جاثلیق گفت: مطلب همین طور است و ما آن را از عیسی روایت می کنیم، فرمود درباره ی شهادت لوقا، مرقابوس و متی راجع به عیسی چه می گوید؟ گفت: آنها دروغ گفته اند.

امام رضا (ع) فرمود: ای گروه مردم مگر جاثلیق قبلاً این افراد را تصدیق نکرد و گفته های آنان را درست نخواند، و گواهی نداد که آنها علماء انجیل هستند و گفتار آنان حق است.

جاثلیق گفت: ای عالم مسلمانان دوست دارم مرا در این مورد و از گفتگو درباره این اشخاص معاف بدارید و از این بحث درگذرید.

فرمود: ما از این گذشتیم اینک هر چه در نظر داری سؤال کن، گفت: دیگری سئوالات خود را مطرح کند به مسیح سوگند در میان علماء مسلمانان مانند شما کسی نیست.

(آثار و اخبار امام رضا (ع)، احتجاجات صص ۶۰۷-۶۰۹، منتهی الآمال ج ۲ ص ۵۲۳)

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

